



# انترناسیونال

## ۱۷۴

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۲ دی ۱۳۸۵، ۱۲ ژانویه ۲۰۰۷

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سرمدبیر: محسن ابراهیمی

اعتصاب در پالایشگاه عسلویه صفحه ۵	اینها را مردم باید محاکمه کنند! صفحه ۵	حجاب، آپارتاید جنسی و سوسیالیسم فرشاد حسینی صفحه ۴ سعید پرتو	نه بمب، نه تحریم، نه جنگ صفحه ۷
---	--	---	---------------------------------------



مینا احدی و نازنین افشین جم در مقابل سازمان ملل



نازنین فاتحی در داگاه اسلامی



ستون اول

حمید تقوایی

## بن بست دولت آمریکا در عراق و موقعیت جدید جنبش اسلامی

تحولات تازه ای که در خاورمیانه در جریان است حاکی از توازن جدیدی میان نیروهای اسلامی از یکسو و نیروهای نظم نوین جهانی، یعنی دولت آمریکا و متحدین او از سوی دیگر است. مشخصا سیاست تازه آمریکا در عراق، که نام بی مسمای "راه نوین پیشروی" بر آن نهاده اند، درگیری نظامی میان حماس و الفتح و نیروهای اسلامی متعددی که مثل قارچ یک شبه در فلسطین روئیده اند، و بالاخره صلور قطعنامه تحریم جمهوری اسلامی از سوی شورای امنیت از جمله مهمترین تحولات دو هفته اخیر در منطقه بوده است. ریشه و زمینه مشترک این تحولات را باید در شکست سیاستهای میلیتاریستی دولت آمریکا و متحدینش در عراق جستجو نمود. تهاجم نظامی به عراق خود نقطه عطفی در شرایط سیاسی خاورمیانه بود. آنچه امروز در عراق و خاورمیانه میگذرد،

صفحه ۲

## یک عقب نشینی دیگر به حکومت اسلامی تحمیل شد! نازنین را باید به آغوش خانواده اش برگردانیم

مصاحبه با مینا احدی

انترناسیونال: خبر بسیار خوشحال کننده ای از سرنوشت نازنین کابوس طناب دار بسر برده است به جهان مخابره شد است. طبق فاتیحی که نوجوانتیش را در زندانهای جمهوری اسلامی در کابوس طناب دار بسر برده است نازنین قتل عمدی مرتکب نشده است و وکلای پرونده امیدوارند که حکم اعدام رسما در چند روز آینده لغو شود و نازنین از این کابوس نجات یابد. در حقیقت جمهوری اسلامی عقب نشست. قبل از هر

صفحه ۶

## به استقبال یک ۸ مارس سرخ و سوسیالیستی برویم

صفحه ۳

شهلا دانشفر

## باید صد بار

## به شما درود فرستاد

به نازنین افشین جم و مینا حدی

صفحه ۲

اصغر کریمی

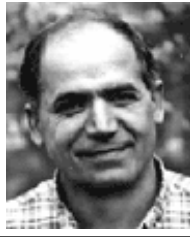
## "هزاران مثل دلارا در زندانها هستند" ادعا نامه تکان دهنده پدر دلارا دارابی

صفحه ۸



## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## باید صد بار به شما درود فرستاد به نازنین افشین جم و مینا احدی



اصغر کریمی

میتوان این حکومت را بزیر کشید تا حکومتی بر پایه انسانیت و عدالت ساخت.

کار شما ارزشمند و عزیز است، تا همینجا نتایج بزرگی به ارمغان آورده است و باید صدار به شما درود فرستاد. همه آنها که قلبشان برای انسانیت، برای عدالت، برای نجات نازنین و کبرا و دلارا و حمزه و شهلا و فاطمه میطهد را به پیوستن به کمپین شما، به مبارزه علیه مجازات اعدام و علیه حکومت عفریت اسلامی فرامیخوانیم.

اصغر کریمی  
رئیس هیئت دبیران  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۱ ژانویه ۲۰۰۷

نشینی به رژیم اسلامی تحمیل شد و اعدام بطور کلی برای این حکومت دشوارتر گردید. شما ظرفی برای صدها هزار انسان ساختید تا عدالتخواهی خود را نشان دهند و برای مردم ایران مسجل تر شد که

بزرگ و با شکوه جلو رفتید و مثنی جانی و ناسان را گامی دیگر به عقب رانید و بی ابروتر و منفورتر کردید. ظرفی برای صدها هزار انسان ساختید تا عدالتخواهی خود را نشان دهند و نتیجه بخش بودن آنرا ببینند. شما با این کار مشوق انسانهای بیشمار دیگر خواهید بود. نازنین هنوز از اعدام رها نشده است، اما معلوم شد که این مبارزه بی نتیجه نمانده است. یک عقب

را بجای نازنین و در شرایط او فرض کردند، در غم او و خانواده اش شریک شدند و اعتراضشان را به مجازات اعدام و جمهوری اسلامی بیان کردند، اما نقش شما دو نفر در این مبارزه جهانی که خود سازمان دهنده آن بودید ویژه و برجسته است. شما با فعالیت درخشان خود صفی از انسانیت را در دفاع از دختر نوجوانی در یک نقطه دنیا شکل دادید و خود در صف اول این مبارزه

درود به شما و همه انسانهایی که نازنین فاتحی، یکی از قربانیان حکومت اسلامی را در یک قدمی نجات از ظناب دار قرار دادید و او را در قلب میلیونها انسان تشنه آزادی در سراسر دنیا جا دادید.

انسانهای بیشماری برای نجات نازنین تلاش کردند، خود را به خطر انداختند، و یا با ارسال نامه و امضای قطعنامه ای از اقصی نقاط دنیا در این مبارزه شریک شدند، خود

### ستون اول

از صفحه ۱

یکسو چکمه پوشان نظم نوینی، دولت آمریکا و متحدینش، دولت اسرائیل، حماس و حزب الله و جمهوری اسلامی و مقتدی صدر و آیت الله سیستانی و القاعده قرار دارند و در سوی دیگر مردمی که در فلسطین و عراق و ایران قربانی این نیروهای ارتجاعی هستند. جنگ میان جنبش اسلام سیاسی و نیروهای نظم نوینی جنگ مردم نیست. کل این جنگ مستقل از پیشروها و عقب نشینی های هر یک از طرفین، ارتجاعی و جنایتکارانه و ضد انسانی است. تنها مردم، کارگران و زحمتکشان و مردم شریف و آزادیخواه در فلسطین و عراق و لبنان و ایران و اسرائیل میتوانند به این تراژدی خاتمه دهند. این مبارزه ای علیه نظم نوین سرمایه و نیروهای ملی - قومی مذهبی زانده آنست. مبارزه ای که پرچم آن تنها میتواند در دست نیروهای چپ و سوسیالیست باشد. این پرچم هم اکنون در جنبش اعتراضی و سرنگونی طلبانه مردم ایران بر افراشته شده است. و شکل گیری یک انقلاب چپ و کارگری در جامعه ایران انسانی ترین، محتمل ترین و مطلوب ترین راه نه تنها برای سرنگونی حکومت کثیف اسلامی بلکه برای عقب نشانیدن کل جنبش اسلام سیاسی و سیاستهای جنایتکارانه میلیتاریستی غرب در منطقه و در سطح جهانی است. \*

اسلامی در عراق، فلسطین و لبنان است. اگر آمریکا و اعضای شورای امنیت بتوانند باندازه کافی جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار بدهند که از دخالتگرهای منطقه ایش دست بکشد آنگاه حل دیپلماتیک بحران هسته ای کاملاً امکان پذیر خواهد شد. دولت آمریکا با یک قدرت اتمی دیگری در منطقه به شرط آنکه در چارچوب سیاست خارجی این کشور عمل کند مساله چندانی نخواهد داشت. همچنانکه با هند و پاکستان اتمی مشکلی ندارد. قطعنامه اخیر شورای امنیت در واقع عامل فشاری برای سر براف کردن جمهوری اسلامی نه تنها در رابطه با پروژه غنی سازی اورانیوم بلکه در رابطه با سیاستهای منطقه ای است. گرچه این مساله دوم مستقیماً در قطعنامه ذکر نشده اما یک موضوع ثابت حملات دولت آمریکا به جمهوری اسلامی، از جمله در سخنرانی اخیر بوش در معرفی سیاستهای تازه این دولت در عراق و طرح "راه نوین پیشروی"، همیشه همین مساله دخالتهای جمهوری اسلامی در منطقه و مشخصاً در عراق بوده است. ناگفته پیداست که قطع این دخالتگرها تاثیر تعیین کننده ای بر سرنوشت "بحران اتمی" جمهوری اسلامی نیز خواهد داشت.

در ظاهر، همه این تحولات در فلسطین و عراق و ایران، بروزات مشخص تقابل میان اسلام سیاسی و آمریکا و دولتهای غربی به نظر میرسد اما در یک سطح پایه ای و در واقعیت این ها همه اشکال مختلف بروز صفتندی و تقابل میان مردم با کل نیروهای ارتجاعی نظم نوینی و قومی - مذهبی هر دو است. در

مردم و امر بر حق مردم فلسطین در جنگ قدرت اسلام سیاسی و آمریکا در خاورمیانه است. در واقع باید کل نیروهای جنبش اسلام سیاسی از حماس و حزب الله تا جمهوری اسلامی و دار و دسته های تروریست اسلامی که در فلسطین سر بر آورده اند و بجان یکدیگر افتاده اند را عملاً نیروهائی در کنار اسرائیل و آمریکا و در مقابل مردم فلسطین و جنبش حق طلبانه آنان بحساب آورد. عامل دیگری که این مصادره و هایجک شدن مساله فلسطین بوسیله نیروهای اسلامی را بروشنی نشان میدهد سوء استفاده های جمهوری اسلامی از مساله فلسطین به نفع اهداف و سیاستهای ارتجاعی خود در منطقه است. از زمان جنگ ایران و عراق که فتح قدس از طریق کربلا یک محور تبلیغاتی آن بود تا امروز که جمهوری اسلامی رابطه نزدیکی با حزب الله لبنان و حماس در فلسطین و نیروهای شیعه در جنوب عراق بر قرار کرده است، جمهوری اسلامی از مساله مردم فلسطین بعنوان ابزاری برای توجیه سیاستهای ارتجاعی و گسترش نفوذ خود در منطقه استفاده کرده است. در این عرصه نیز هجوم نظامی دولتهای غربی به عراق زمینه را برای بسط نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه بیش از پیش فراهم ساخت. مقابله با این نفوذ علت اصلی اعمال فشار آمریکا و دولتهای غربی به جمهوری اسلامی بر سر مساله پروژه اتمی است. حساسیت دولت آمریکا و دولتهای غربی به تجهیز جمهوری اسلامی به سلاح اتمی، آنچه "بحران هسته ای" نامیده اند، قبل از هر چیز بخاطر نقش و اعمال نفوذ جمهوری

قدرت و سرمایه سیاسی جنبش ارتجاعی اسلامی مساله فلسطین است و از همین رو از لحاظ استراتژیک اسلام سیاسی خواستار حل مساله فلسطین نیست. اسلام سیاسی خواهان نابودی دولت و کشور اسرائیل است و این عملاً بجز تداوم جنگ و لاینحل ماندن مساله فلسطین و تداوم جنگ معنایی ندارد. یعنی دقیقاً همان شرایطی که جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی برای بقا و رشد خود به آن نیازمند است. دولت اسرائیل و آمریکا خود زمینه ساز رشد نیروهای اسلامی هستند. دولت اسرائیل با سیاستهای زورگویانه و سرکوبگرانه اش، با برسیمت نشناختن مداوم حقوق مردم فلسطین عامل مستقیم مساله فلسطین و درد و مصائب ده ها ساله آوران فلسطینی است و این در شرایط نظم نوین و در دوره بعد از جنگ سرد مشخصاً زمینه رشد جنبش ارتجاعی اسلامی که او نیز ربطی به دردها و آلام مردم فلسطین ندارد را فراهم کرده است. حمله به عراق به نوبه خود به رشد سریع این جنبش ارتجاعی در کل خاورمیانه منجر شد و در کل مساله فلسطین را تحت الشعاع مقابله نیروهای نظم نوین جهانی و اسلامی قرار داد. جنگ 34 روزه لبنان نمونه گویائی از این حاشیه ای شدن مساله مردم فلسطین بر زمینه مقابله دو قطب تروریستی در خاورمیانه بود و امروز تخاصم نظامی میان نیروهای فلسطینی الفتح و حماس و گروه های متعدد نظامی و شبه نظامی اسلامی نمونه دیگری از قربانی شدن

نابودی کامل مدنیت و کشتار و جنایت هر روزه از سوی دار و دسته های اسلامی و نیروهای اشغالگر در عراق و سر بر آوردن نیروهای فوق ارتجاعی قومی - مذهبی در لبنان و فلسطین و حتی فعال شدن مجدد طالبان در افغانستان همه از عوارض و پیامدهای حمله نظامی چکمه پوشان "نظم نوین جهانی" به عراق است. این وضعیت بطور بارز و برجسته و غیر قابل انکاری شکست سیاستهای میلیتاریستی غرب را در برابر چشم جهانیان قرار داده است. شکست مفتضحانه حزب محافظه کار در انتخابات میان دوره ای در آمریکا و متعاقب آن استعفای رامسفلد، اعتراف بوش به شکست استراتژی دولت آمریکا در عراق و اکنون طرح "راه نوین پیشروی" از نتایج مستقیم تراژدی انسانی و بحران لاعلاج سیاسی - نظامی ای است که دولت آمریکا و متحدینش در عراق خود بوجود آورده و خود در آن گرفتار شده اند. "راه نوین پیشروی" در واقع چیزی بجز تلاش برای عقب نشینی دولت آمریکا بدون رسوائی و بی ابرویی بیشتر نیست.

آنچه در فلسطین در نوار غزه و کرانه غربی میگردد نیز نتیجه مستقیم وضعیت عراق است. امروز دیگر بر همه روشن شده است که نیروهای اسلامی و مشخصاً حماس، که یکی از نیروهای تشکیل دهنده دولت خود گردان فلسطینی است، بعنوان مانعی بر سر راه حل مساله فلسطین عمل میکنند. ما همیشه بر این واقعیت تاکید کرده ایم که یک منبع

یا سوسیالیسم  
یا بربریت

## از صفحه ۱ به استقبال یک ۸ مارس سرخ...

با برداشتن حجاب، هشت مارس را به روز اعتراض گسترده علیه جمهوری اسلامی و به یک روز تاریخی تبدیل کنیم. هشت مارس روز جهانی زن در راه است. به استقبال گرامیداشت هر چه با شکوهرتر این روز مهم تاریخی برویم. هشت مارس در نتیجه تلاش کمونیستها و فعالین مدافع حقوق انسانی و حقوق زنان در سراسر جهان جشن گرفته میشود و سنتا روز اعتراض علیه ستم کشی زن است. این روز را به روز ابراز وجود جنبش برابری طلبانه علیه سیاستهای ضد زن جمهوری اسلامی و به روز اعلام نفرت عمومی علیه توحش این رژیم زن ستیز تبدیل کنیم.

روز هشت مارس، با تجمعات با شکوهمان، با مارش بزرگ اعتراضی در خیابانها و با قطعنامه ها و شعارهایمان، حکم ابطال همه قوانین ضد زن را اعلام کنیم. هشت مارس امسال را به یک روز بزرگ تاریخی، به یک روز اعتراض گسترده علیه جمهوری اسلامی، این سمبل آپارتاید جنسی تبدیل کنیم.

## هشت مارس با چه افق و چه چشم اندازی؟

برای برگزاری یک هشت مارس با شکوه قبل از هر چیز باید دید که در چه شرایطی به استقبال این روز میرویم و با چه افق و چشم اندازی باید این روز مهم تاریخی را تدارک ببینیم.

امسال در شرایطی به استقبال هشت مارس میرویم که ۱۶ آذر سرخ با شعار سوسیالیسم یا بربریت را پشت سر گذاشتیم و بطور واقعی چپ و رادیکالیسم قویتر از هر وقت دارد به جلوی صحنه سیاسی جامعه می آید و مهر خود را بر سیر تحولات جاری میکوبد.

امسال در شرایطی به استقبال هشت مارس میرویم که جامعه در التهاب مبارزه میسوزد. بویژه جنبش آزادی زن هر روز قویتر میشود و ما اینرا در اعتراضات روزمره در جامعه می بینیم. می بینیم که چطور شعار نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی، امروز وسیع تر از قبل در اعتراضات مختلف مردم در دانشگاه و در میان جوانان و در مناسبت های مختلف شنیده

میشود. می بینیم که شعارهای رهایی زن رهایی جامعه است، آزادی زن، آزادی همگان است، به یکی از شعار های محوری در ۱۶ آذرها و در روزهای اعتراضی دیگر در جامعه تبدیل شده است. همچنین ما شاهد این هستیم که گرامیداشت هشت مارس در ایران هر سال ابعاد توده ای تر و گسترده تری بخود میگیرد. و سال گذشته علیرغم جلوگیری رژیم از برگزاری این مراسم، در فاصله پارک لاله تا پارک دانشجو در تهران ما شاهد حضور مردم آزادیخواهی بودیم که به خیابانها آمده بودند تا این روز را جشن بگیرند و ساعتها با نیروهای انتظامی رژیم درگیر شدند و برای گرامیداشت هشت مارس در خیابانها ماندند. در چنین شرایطی زمینه و امکان برگزاری یک هشت مارس بزرگ و باشکوه فراهم تر از هر وقت دیگراست.

هشت مارس امسال باید سرخ و سوسیالیستی باشد. در هشت مارس امسال باید با شعار زنده باد سوسیالیسم و زنده باد هشت مارس روز جهانی زن، زنده باد آزادی برابری و با پلاکاردهای سرخمان این روز را به یک روز با شکوه مبارزه برای برابری زن و مرد تبدیل کنیم.

جمهوری اسلامی امروز بعنوان سمبل توحش و زن ستیزی در سراسر دنیا شهره است. با گرامیداشت هر چه با شکوهرتر هشت مارس روز جهانی زن، مردم جهان را به حمایت از مبارزات برحقمان فراخوانیم و بار دیگر به دنیا نشان دهیم که مبارزات مردم آزادیخواه در ایران ستون اصلی جبهه بشریت متمدنی است که امروز علیه جمهوری اسلامی و دو قطب تروریست جهانی، اسلام سیاسی و میلیتاریسم آمریکا به پا خواسته است و با شعار نه جنگ، نه بمب، آزادی برابری، چشمان دنیا را بسوی خود خیره کنیم.

به استقبال یک هشت مارس بزرگ، سرخ، سوسیالیستی و تاریخی برویم.

## در ۸ مارس، حجابها را برداریم

حجاب پرچم جمهوری اسلامی و سمبل حاکمیت قوانین سیاه اسلامی آن بر جامعه است. جمهوری اسلامی

از همان آغاز حیات خود با تحمیل حجاب بر زنان و حاکم کردن قوانین ارتجاعی اسلامی اش بر مردم، کل جامعه را مورد تهاجم خود قرار داد و در هر دوره با حمله به زنان تحت عنوان مبارزه با بد حجابی، تلاش کرده است تا فضای رعب و وحشت را بر جامعه حاکم کند و مبارزات مردم را عقب براند. در همین رابطه در هر زمان، اینکه زنان تا چه درجه توانسته اند حجابهایشان را به عقب بکشند، خود یک فاکتور مهم در تعیین توازن قوای سیاسی جامعه بوده است. از همین رو مبارزه علیه حجاب، امروز یک رکن مهم مبارزه علیه رژیم اسلامی و علیه ستم کشی زن در ایران است. مبارزه ای که همواره یک عرصه دائمی کشاکش مردم در محیط های کار و در دانشگاهها، در اتوبوسها و پارکهای عمومی شهر و در همه جا بوده است و بطور واقعی نیز حکومت اسلامی هیچگاه نتوانسته است آنطور که می خواهد زنان را به بند حجاب اسلامی بکشد. بویژه در سال گذشته مبارزه علیه حجاب و علیه قوانین اسلامی رژیم در ایران ابعاد آشکارتری بخود گرفت. در سال گذشته ما شاهد این بودیم که در اخبار رسانه های دولتی از برداشتن حجاب توسط برخی زنان در شمال تهران، در هنگام رانندگی و خطر نابودی اسلام و نظام سخن گفته شد. ما شاهد این بودیم که برداشتن حجاب توسط زنی در تهران به موضوع خبری مهمی در رسانه های رسمی دولتی تبدیل شد. همچنین ما شاهد برداشتن حجاب در آکسیونهای اعتراضی مختلف بعنوان شکلی از اعتراض به رژیم و قوانین اسلامی اش بودیم. اینها همه حاکی از توازن قوای سیاسی امروز جامعه و پیشروی های مهم جنبش آزادی زن در ایران است. با اتکا به این پیشروی ها و در اوضاع متحول سیاسی امروز، هشت مارس امسال را میتوان و باید به روز اعلام عزم جامعه برای لغو عملی حجاب و اعتراض گسترده علیه این سمبل ارتجاع اسلامی و ستم به زنان، تبدیل کرد. از هم اکنون باید به استقبال یک مبارزه گسترده علیه حجاب رفت و مردم جهان را به حمایت از این اعتراض مهم و برحق خود فراخواند.

از هم اکنون میتوانیم با شدت دادن به اعتراض خود علیه حجاب، با برداشتن حجاب ها در هر فرصت و امکاتی که دست میدهد، در هنگام رانندگی و در مجالس عمومی، در کوه و در سینما و در کلاسهای درس و غیره به استقبال این حرکت بزرگ در هشت مارس برویم. میتوانیم بصورت سازمانیافته و متحد در برابر تهاجمات رژیم به این اعتراض برختمان بایستیم و زنان معترضی را که مورد تعرض قرار میگیرند مورد حمایت و پشتیبانی خود قرار دهیم. میتوانیم دختر و پسر، دسته جمعی حرکت کنیم و با برداشتن حجابها و بصورت پیکت های اعتراضی علیه حجاب، برای لغو عملی حجاب در کل جامعه تلاش کنیم. از هم اکنون با طومارهای اعتراضی خود علیه حجاب و با فراخواندن انسانهای آزادیخواه در سراسر جهان مبارزه ای گسترده و وسیع علیه حجاب را شکل دهیم و در فضایی از اعتراض و مبارزه به استقبال هشت مارس برویم.

## هشت مارس را توده ای و همه گیر کنیم

در جامعه ای که ستم کشی زن یک رکن مهم حاکمیت رژیم است، در جامعه ای که مبارزه علیه ستم کشی زن و جنبش آزادی زن هر روز قدرتمند تر به جلو میروند، گرامیداشت هشت مارس جایگاه بیشتر و مهمتری در میان بخش های هر چه وسیعتری از مردم میتواند پیدا کند. باید هشت مارس روز بین المللی مبارزه علیه ستم کشی زن را به روز اعتراض کل جامعه علیه این رژیم و علیه ستم کشی زن تبدیل کرد.

بویژه هشت مارس اکنون بیش از همیشه برای جامعه و برای کل مردم ایران شناخته شده است. سالها تلاش برای گرامیداشت این روز از سوی انسانهای آزادیخواه و فعالین مبارزه برای رهایی زن، اکنون این روز را تا اندازه ای در اذهان جامعه جا انداخته است. با اتکا به این دستاوردها باید به استقبال گرامیداشت یک هشت مارس توده ای و همه گیر برویم. باید بکوشیم تا از هم اکنون، همه جا رنگ و روی این روز را بخود بگیرد. در و دیوار را از شعارهای گرامی باد هشت مارس روز جهانی زن، زنده باد آزادی زن، زنده باد

سوسیالیسم، زنده باد آزادی، زنده باد برابری، پر کنیم. از هم اکنون شعارهایمان را در کاغذهای رنگی و زیبا بنویسیم و به تدارک یک هشت مارس سرخ برویم.

برای تجمعات اعتراضی در این روز تمامی دوستان و آشنایانمان را با خبر کنیم و در مورد این روز همه جا، در اتوبوس و در تاکسی و در خانه و در محیط کار بحث راه بیندازیم و کل جامعه را برای یک قدرتمندی بزرگ علیه این رژیم و علیه ستم کشی زن بسیج کنیم. تلاش کنیم تا هشت مارس روز جهانی زن در همه شهرها و در همه محیط های کار برگزار شود و و این روز را در محل کار و در همه جا با پخش شکلات و شیرینی جشن بگیریم.

اگر نتوانستیم روز هشت مارس در اجتماعاتی که به این مناسبت برپا میشود شرکت کنیم، این روز را در محیط کارمان در کارخانه و در مدرسه گرامی بداریم. در این روز ساعتی از وقت روز را در مجمع عمومی کارخانه و در کنار همکارانمان بنشینیم و در مورد اهمیت این روز صحبت کنیم. توضیح دهیم که چرا باید این روز را گرامیداشت. نشان دهیم که چگونه این ستم و این جداسازیها صفوف متحد کارگران، معلمان، پرستاران و کل جامعه را متفرق کرده است. چطور این جداسازیها اعتراض متحد کارگران بر سر حقوق و مطالباتشان را سد کرده است. چطور این جداسازیها و تحمیل دستمزد کمتر در برابر کار مساوی به زنان، به جدا کردن صف مبارزه زنان و مردان در برابر کارفرمایان و دولت خدمت کرده است و بر تشبیت این روز به عنوان یک روز تعطیل رسمی در جامعه و روز اعتراض جهانی علیه ستم کشی زن تاکید بکناریم.

میتوان برای هشت مارس از هم اکنون فضا را با برپایی سمینارها و کنفرانس حول جنبه های مختلف ستم کشی زنان و حقوق برابر زن و مرد آماده کرد. هشت مارس بهترین فرصت است که در مورد تمامی مظاهر ستم کشی زن به اعتراض بلند شد و اذهان جامعه را به ریشه های واقعی نابرابری حقوق زن و مرد و راه رهایی بشریت، روشن کرد. علیه قوانین حاکمیت رژیم

## حجاب، آپارتاید جنسی و سوسیالیسم



فرشاد حسینی

ارزان در ایران، خمینی را تولید و ضد انقلاب اسلامی را برگرده مردم حاکم کرد. تعرض به زنان و بی حقوقی گسترده زنان را باید در تصویر بزرگتری از موقعیت سرمایه و سود سرمایه در شرایط ایران (بعنوان یکی از حوزه های مهم تامین نیروی کار ارزان) دید. ریشه های این مصیبتها و فرودستیها تماما نظامی است که از قبل حجاب و آپارتاید جنسی و بی حقوقی زنان سود میبرد. مبارزه برای رهایی زنان از مبارزه برای سوسیالیسم جدا نیست. همانگونه که مبارزه برای سوسیالیسم از مبارزه برای آزادی زنان جدا نیست. این البته به این معنی نیست که مبارزه سنگر به سنگر و مشخص در دفاع از حقوق زنان را به یک مبارزه عمومی و کلی برای سوسیالیسم گره زد. مبارزه برای سوسیالیسم یک مبارزه وسیع طبقاتی است که عرصه های متنوع و گسترده ای دارد. مبارزه طبقاتی تنها مبارزه کارگر و سرمایه دار نیست. مبارزات کارگران شاه کلید این مبارزات است اما جبهه های نبرد و مبارزه طبقاتی به مراتب فراتر از تنها مبارزه کارگران است. سرمایه داری منشا اصلی کلیه مشقات و تبعیضات و بی حقوقی های موجود در جامعه بشری است. منشا راسیسم و مذهب و اسلام سیاسی، فرودستی زنان و تبعیض تحت نام قومیت و نژاد و ناسیونالیسم، آلودگی محیط زیست، آوارگی و پناهندگی میلیون ها انسانها و هر گونه نامالایمات در زندگی اجتماعی بشر است. مبارزه در تمام این عرصه ها وجهی از یک مبارزه عظیم طبقاتی است. در تک تک این جبهه های نبرد طبقاتی باید حضور داشت. با شعارها و مطالبات خاص خود. اما افقی که در مقابل سیر کل این مبارزات قرار داد باید افق سوسیالیسم بعنوان تنها آلترناتیو خلاصی بشریت از تمامی این مشقات و بلاهای اجتماعی باشد.

### سوسیالیسم یا بردگی زنان

نظام و سیستمی که پشت تحمیل حجاب و آپارتاید جنسی است نظام سرمایه داری است. اگر حجاب و آپارتاید ابزارهای سرکوب در دست ضد انقلاب بودند دقیقا به دلیل حفظ مناسبات استثمار و سود دهی و بهره کشی طبقاتی در موقعیت خاص ژئوپلیتیکی ایران بود. تلاش کل نظام سرمایه برای حفظ و ابقای نظام سرمایه و تامین نیروی کار

حزب کمونیست کارگری تنها سازمان اپوزیسیون است که سر سخنه و بدون تخفیف علیه حجاب اجباری و در جهت رشد و تقویت این جنبش مبارزه کرده است. بعبارتی هم اکنون نیز یکی از مشخصه های مهم این حزب نسبت به سایر احزاب در همین موضوع است. هسته اولیه این حزب در سال ۵۷ که بنام اتحاد مبارزان کمونیست فعال میگرد تنها جریان چپ بود که در حمایت از مبارزات زنان و علیه فرمان ارتجاعی حجاب اجباری خمینی موضع گرفت و مبارزه و فعالیت کرد. حجاب در حالیکه نزد بسیاری از جریانات چپ سنتی یک موضوع فرعی و غیر قابل اتکا برای گسترش مبارزه در دفاع از انقلاب بود، برای جریان ما یک موضوع واقعی مهم، حتی در امر دفاع از انقلاب و آرمان ها و دست آوردهای انقلاب بود. در خارج از ایران نیز حزب کمونیست کارگری تنها نماینده بلامنزاع این جنبش در اروپا و خارج بود. در جایی که حجاب نزد محافظ و جریانات چپ به یک امر ساده حق پوشش تنزل یافته بود ما حتی برای برچیدن حجاب اجباری کودکان در مدارس اروپا کمپین های وسیع داشته و مبارزات گسترده ای را سازمان دادیم. مبانی نظری و تئوریک این مبارزه را تبیین کردیم و آن را به یک امر و مبارزه تعطیل ناپذیر برای کمونیستها و لائیک ها بدل ساختیم. حزب ما نماینده واقعی این جنبش اعتراضی زنان است. نوک تیز آملها و آرزوهای زنانی است که میخواهند در مرکز شهر تهران جشن حجاب سوزان راه بیندازند.

### آپارتاید جنسی

حجاب پرچم و یونیفورم آپارتاید جنسی است. اما آپارتاید جنسی از حجاب فراتر میرود. آپارتاید جنسی بی حقوقی زنان را در کلیه شئون زندگی شخصی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به نمایش میگذارد. آپارتاید جنسی تحمیل یک بردگی تمام عیار جنسی است. یک بردگی زمخت و هولناک. در سیستم بردگی، بردگان تنها به لحاظ موقعیت بردگی اشان فرو دست اند. اما در سیستم آپارتاید جنسی زنان

مبارزه میکرد تا این ضدانقلاب را پس بزند، افتاد. حجاب یونیفورم این ضد انقلاب بود. جمهوری اسلامی با تحمیل حجاب اجباری شروع شد و قطعاً با لغو حجاب اجباری به دوران ننگین زندگیش خاتمه خواهد داد. حجاب یکی از شاهرگهای مهم و حیاتی جمهوری اسلامی است.

### جنبش توده ای ضد حجاب در ایران

از همان ۱۶ اسفند که خمینی به زور مسلسل بر سر زنان چادر کرد تا به امروز اعتراض به حجاب یکی از اصلی ترین اعتراضات زنان بوده و مبارزه و مقاومت علیه آن به یکی از وسیعترین و گسترده ترین و توده ای ترین مبارزات خود جوش زنان تبدیل شده است. حجاب به مثابه وصله ننگ ناچسی به زنان الحاق شده است. وصله ناچسی که خود به یکی از مهمترین اشکال ابراز وجود علنی اعتراض زنان تبدیل شد. این اعتراض اکنون به یک جنبش وسیع و توده ای علیه بی حقوقی زنان تبدیل شده است. برای نفرت از چادر و حجاب، برای دریدن و به تمسخر گرفتن این وصله ناجور بر زنان کسی کتاب یا مقاله سیاسی و تئوریک نخوانده. نفرت از حجاب یک تنفر طبیعی ریشه دار در زندگی روزمره هر انسانی است. و همین خود مناسب ترین حلقه برای سازمان دادن یک جنبش توده ای وسیع علیه حجاب اجباری را فراهم میآورد. برای هر فرد و جریان یا سازمانی که واقعا میخواهد کابوس هولناک آپارتاید جنسی را از سر جامعه بردارد، برای هر نیروی جدی که میخواهد گامی برای حقوق زنان بردارد اعتراض به حجاب یک پیش شرط اولیه است. یک ماتریال اولیه است. به جرات میتوان گفت که یک میزان و معیار سنجش جدی بودن آزادیخواهی یک جریان، امر مبارزه برای رهایی و آزادی زن است. جنبش ضد حجاب یک جنبش واقعی فعال و رشد یابنده در جامعه ایران و در جنبش زنان ایران است.

### کمونیسم کارگری و جنبش علیه حجاب اجباری

جامعه ایران تجسم واقعی و عریان یک آپارتاید تمام عیار جنسی است. تبعیض عریان علیه زنان در کلیه شئون زندگی فردی و اجتماعی زنان از سر و کول قوانین و سیاستهای حاکم در ایران بالا میروند. این آپارتاید جنسی نه محصول فرهنگ جامعه است و نه محصول انقلاب آزادیخواهانه سال ۵۷. آپارتاید جنسی و تعمیق بی حقوقی زنان در ایران محصول ضد انقلاب، محصول تلاش طبقات حاکم برای سرکوب انقلاب سال ۵۷ بود. انقلابی که برای آزادی، برای برابری و برای رفاه اجتماعی بود. انقلابی که والاترین ارزش های انسانی را هدف خودش قرار داده بود. ضد انقلاب برای مهار و سرکوب این انقلاب مسلح شد و وحشیانه گام به گام جلو آمد. نخستین تعرض و یورش ضد انقلاب به انقلاب ۵۷، به زنان صورت گرفت. حجاب اولین پرده یورش ضد انقلاب به زنان بود. اولین گام برای سازماندهی اعمال یک آپارتاید جنسی تمام عیار بود. اولین تعرض برای جدا سازی جنسی نیمی از جامعه و به بند کشیدن نیمی از جامعه بود. جمهوری اسلامی فرزند خلف نه ۲۲ بهمن که ۱۶ اسفند بود. روزی که خمینی فرمان داد بر سر کلیه زنان کارمند حجاب کشند. حجاب پرچم یورش ضد انقلاب اسلامی به انقلاب آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم بود. اما نخستین سنگربندیها در مقابل این یورش ضد انقلاب به آرمان ها و اهداف انقلابی حول همین فرمان ارتجاعی خمینی و علیه حجاب اجباری در ۸ مارس سال ۵۷ آغاز شد. زنان و مردان آزادیخواه مستقل از روگردانی ها و بی اعتنائی ها و طعنه و تشر احزاب سیاسی، مستقل از فرعی و اصلی کردن حمایت از مبارزات زنان توسط طیف وسیعی از جریانات چپ پوپولیست ایرانی، در دفاع از انقلاب و علیه حجاب اجباری، ۸ مارس را به روز اعتراض به تحمیل حجاب اجباری در ایران تبدیل کردند. یورش به زنان پس از تحمیل حجاب اجباری گام به گام افزایش یافت. جمهوری اسلامی با شمشیر آخته به جان بیکاران، کارگران، و جنبش انقلابی که

## اینها را مردم باید محاکمه کنند!



سعید پرتو

نفوذ و تثبیت رژیم اسلامی و حمایت از حزب الله در منطقه بردارد، آمریکا و متحدان اروپایی اش نه تنها مشکلی با جنایات این رژیم علیه مردم در ایران نداشته بلکه اگر لازم باشد از رژیم اسلامی در مقابل حرکت‌های اعتراضی مردم در داخل حمایت هم خواهند کرد.

فقط مبارزات مردم در ایران قادر خواهد بود تا رژیم اسلامی را سرنگون کرده و سران آدم کش آن را محاکمه کند. تظاهرات گسترده، اعتصابات وسیع کارگری، ۱۶ آذره‌های سرخ، ۸ مارس‌های اعتراضی و ضد رژیمی با پرچم‌های "یا سوسیالیسم یا بربریت" است که طبل سرنگونی رژیم اسلامی را بصدا درآورده و شمارش معکوس برای پایان حیات این رژیم را آغاز کرده است. دور نیست زمانی که دیکتاتورهای اسلامی، در فردای سرنگونی این رژیم، در دادگاه‌های بسا شده توسط مردم محاکمه شوند.\*

### آزادی، برابری حکومت کارگری

کارگران پتروشیمی مستقیماً بر وضعیت سایر کارگران تاثیر میگذارد. يك خواست مهم کارگران اخراج نیروهای سرکوب از محیط کار و زندگی خود میباشد. این خواست دانشجویان و سایر بخشهای جامعه نیز هست. حزب از همه مراکز کارگری، از دانشجویان و همه مردم آرزوی خواهد که از مبارزه کارگران پالایشگاه عسلویه و سایر اعتراضات بحق کارگری به هر شکل که میتوانند حمایت کنند. همبستگی با مبارزات یکدیگر يك عامل مهم موفقیت اعتراضات و عقب راندن حکومت اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۸ ژانویه ۲۰۰۷، ۱۸ دیماه ۱۳۸۵

آمد. در زمان انقلاب، آمریکا یکی از حامیان پر و پا قرص به قدرت رسیدن رژیم مذهبی به منظور قتل عام کمونیستها و نیروی چپ در ایران بود. ولی تا تکمیل نشدن کودتای "خونین رژیم اسلامی و محکم نشدن پایه هایش، دولت عراق میتوانست متحد مهمی برای آمریکا در صورت تهدید بقدرت رسیدن چپ در ایران پس از انقلاب باشد. ولی خمینی خود با اعدام دسته دسته از کمونیستها و اعلام اسامی آنها در جراید عصر هر روز، ضد کمونیست بودن خود را تماماً ثابت کرده و ایران را از هر گونه "خطر به چپ غلطیدن" در دوره جنگ سرد "نجات" داد. وقتی آمریکا استقرار نظم نوین جهانی را در دستور گذاشت، در جستجوی يك قربانی بود تا به دنیا ثابت کند که پس از دوران جنگ سرد تنها ابرقدرت است. بوش پدر نیز در همین رابطه، به بهانه حمله عراق به کویت، به ارتش آمریکا ماموریت داد تا ارتش صدام را منهدم کرده و با این عمل و با قدرت نمایی نظامی اقدام به تثبیت قلدر منشی آمریکا در جهان نمود. در ادامه همین روند بود که آمریکا به عملیات شوک و وحشت در عراق دست زد و صدام را دستگیر کرد.

اگر رژیم اسلامی دست از دخالت در امور عراق برای امتیاز گرفتن از آمریکا، بسط و گسترش

نمایش محاکمه يك جنایتکار توسط جنایتکاری دیگر، پای سران جمهوری اسلامی را نمی گیرد. نه تنها این، بلکه آدمکشی مثل احمدی نژاد حتی میتواند به خارج از ایران مسافرت کند و در سازمان ملل سخنرانی کند. چرا خاتمی بجای صندلی سخنرانی در چات هام هاوس در لندن انگلیس، روی صندلی محاکمه نشسته و به جرم دست داشتن در سنگسار، شکنجه و اعدام مخالفان رژیم در ایران محاکمه نمی شود؟ پاسخ روشن است. خامنه ای، احمدی نژاد، خاتمی، رفسنجانی و دیگر شرکای جرم، از نظر منافع اقتصادی و سیاسی در منطقه، تاریخ مصرفشان برای دول آمریکا و غرب بسر نیامده است. تاریخ مصرف صدام نیز تا قبل از به پایان رسیدن دوران جنگ سرد و شروع تلاش آمریکا برای تثبیت خود بعنوان تنها ابرقدرت و ثبت نظم نوین جهانیست هنوز به پایان نرسیده بود. در رابطه با تثبیت نظم نوین جهانی بود که ارتش صدام در جنگ خلیج منهدم شد، عراق مورد تحریم اقتصادی به قیمت کشته شدن هزاران کودک در این کشور قرار گرفت، و بالاخره صدام دستگیر و "محاکمه" شد. در انقلاب ۵۷ و کمی پس از آن، دولت عراق بعنوان مهره مهمی برای آمریکا در خاور میانه در مقابل ایران تازه انقلاب کرده بشمار می

دعراق محاکمه شده و بمنظور برملا نشدن دست آمریکا در جنایاتش و اسرار پشت پرده، به فرمان سران واشنگتن، سریعاً به دار آویخته شد.

خمینی نیز در سال ۱۳۵۷ در پی ایجاد "کمر بند سبز" در خاورمیانه توسط دول غرب برای جلوگیری از نفوذ شوروی سابق در رقابتهای جنگ سردی، و با تصمیم سران غرب در کنفرانس گوادلوپ برای جلوگیری از به چپ چرخیدن انقلاب در ایران، به قدرت رسید. خمینی مخالفان رژیم را قتل عام کرده و دهها هزار نفر از کمونیستها را به جوخه های اعدام سپرد. رژیم اسلامی با سپاه و بسیجش مردم بیگناه را دستگیر، زندان، شکنجه و اعدام کرد و هنوز هم میکند. از خامنه ای و رفسنجانی گرفته تا خاتمی و احمدی نژاد، و دیگر عوامل و نوچه هایشان همگی دستشان به خون مردم آغشته است. اینان گلوی مردم هنوز زنده را نیز با تحمیل شرایط غیر انسانی زندگی، زن آزاری، کودک آزاری، سنگسار، زندان، شکنجه و اعدام مخالفان، کمونیستها، کارگران و نمایندگان آنها می فشارند.

با این وجود و علیرغم اینکه در این محاکمات هم آنکه در صندلی متهم نشسته و هم آنکه در صندلی قاضی، هر دو جنایتکار هستند، این سؤال پیش می آید که چرا این

ماه گذشته ماه مرگ دو دیکتاتور بود. یکی از بیماری، دیگری از طریق اعدام (قتل عمد دولتی). یکی دست گمارده مستقیم آمریکا، دیگر خود گمارده. یکی در انتظار محاکمه، دیگری با محاکمه، البته نمایشی و با هدف جلوگیری از افشا شدن نقش مستقیم آمریکا در جنایاتش. ولی هر دو اینها دیکتاتور، و هر دو ماتریالیهای مورد نیاز آمریکا، یکی برای تثبیت موقعیت آمریکا در رقابتهای جنگ سردی، دیگری برای تثبیت نظم نوین جهانی پس از جنگ سرد.

پینوشه، ژنرالی از شیلی، با همکاری مستقیم CIA در سال ۱۹۷۳ با کودتایی خونین علیه سالوادور آلنده چپگرا که با رای مردم به قدرت رسیده بود، به قدرت رسید. صدام نیز در سال ۱۹۷۹ بعد از استعفای البکر در زمان پاکسازی خونین حزب بعث بقدرت رسید. پینوشه و صدام، هر دو قتل عام کننده اپوزیسیون و مخالفین سیاسی کشورهای خود بودند ولی در پایان زندگی ننگینشان دو سرنوشت متفاوت پیدا کردند. پینوشه در انتظار محاکمه توسط قاضی بالتازار گارزون اسپانیایی در بستر مریمی مرد. صدام، البته نه در دادگاهی با حضور مردم عراق که موضوع جنایات وی بوده اند، بلکه در يك محاکمه نمایشی توسط حکومت دست نشانده آمریکا

## هزار و پانصد کارگر پالایشگاه عسلویه دست به اعتصاب زدند نیروهای گارد ویژه کارگران را تهدید کردند

مجمع عمومی تصمیم گیری کنند. دستمزد صدها هزار کارگر در سراسر کشور پرداخت نشده است، در عسلویه که يك مجتمع بزرگ کارگری است دستمزد چندین ماه هزاران کارگر پرداخت نشده است. پرداخت فوری دستمزدهای معوقه يك خواست فوری و سراسری کارگران است. حزب از همه مراکز کارگری بویژه کارگران عسلویه میخواهد که قاطعانه از مبارزه کارگران پتروشیمی حمایت کنند. پیروزی

که بارها وعده های توخالی مسئولین و کارفرمایان را تجربه کرده اند، متحدانه اعلام کردند تا دریافت دستمزدهای معوقه اعتصاب را پایان ندهند.

حزب کمونیست کارگری از کارگران پالایشگاه عسلویه قاطعانه حمایت میکند، تهدید کارگران را شدیداً محکوم میکند و کارگران را فرامیخواند که مجمع عمومی خود را تشکیل دهند و درمورد تداوم مبارزه و اقدامات بعدی خود در

"O1" که محل کارفرمای اصلی میباشد راهپیمایی کردند و در مقابل دفتر کارفرما دست به تجمع زدند.

طبق این خبر گارد ویژه مستقر در عسلویه که به قصد کنترل و سرکوب اعتصابات کارگری در عسلویه دایر شده است، کارگران را مورد تهدید قرار داد و همزمان کارفرما اعلام کرد که دستمزد معوقه کارگران تا روز دوشنبه ۲۵ دیماه پرداخت خواهد شد. کارگران

هزار و پانصد نفر از کارگران فاز ۹ و ۱۰ پالایشگاه عسلویه از صبح روز ۱۷ دیماه (۷ ژانویه) دست به اعتصاب زدند. اعتراض کارگران بخاطر عدم پرداخت پنج ماه دستمزد است. بنا به خبری که "هیئت موسس اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بییکار" در سایت خود [www.ettehade.com](http://www.ettehade.com) منتشر کرده است، صبح روز یکشنبه ۱۷ دیماه بیش از دویست نفر از کارگران اعتصابی به سمت محل شرکت

## از صفحه ۱ مصاحبه با مینا احدی

چیز در این باره صحبت کنید که نازنین فاتحی کیست و در مورد او چه اطلاعاتی دارید؟

مینا احدی: نازنین فاتحی در سال ۱۳۶۶ متولد شده و در یک خانواده کارگری بزرگ شده است. خانواده او از سندیج به کرج کوچ کرده و نازنین به دلیل فقر و نداری و مشکلاتی که در خانواده داشته، از تحصیل عملاً محروم شده است. اکنون خانواده نازنین در محلات حاشیه شهر کرج ساکن هستند و در فقر و نداری کامل بسر میبرند.

در پروسه رسیدگی به پرونده نازنین که ۱۰ دسامبر ۲۰۰۶ آخرین دادگاه او برگزار شد اظهار نظرهای زیادی شده است. قضات پرونده و مقامات مسول در این پرونده در جلسات دادگاه های قبلی تبلیغاتی راه انداخته بودن، مبنی بر اینکه نازنین " دختر خیابانی است"، نازنین " دختر بی آبرویی است" و بعید نیست این دختر با چنین مشخصاتی دست به " قتل عمد" زده باشد. بر اساس همین تبلیغات میگفتند که حکم اعدام نازنین درست است و ظاهراً حکومت با این اعدام میخواست به مردم القاء کند که قصد دفاع از " امنیت" جامعه را دارد. در دادگاه های قبلی گفتند که پدر نازنین گفته است او را میتوانی بکشید چرا که دختر سرکش و بی آبرویی است!

میخواهم بگویم حکومت بر اساس عقب ماندگی و ناموس پرستی و تحریک احساسات مردسالارانه و ضد انسانی قصد پیشبرد این پرونده و اعدام نازنین را داشت. حتی در همین دادگاه کنایی اخیر نیز نماینده دادستان باز هم از این حرف میزند که چگونه دختری که قبلاً به او تجاوز شده است از تجاوز مجدد می ترسیده و به متجاوزین حمله کرده است! توجه کنید که در این دادگاه فرمایشی، نمایندگان حکومت بشیرمانه از اینکه به نازنین جوان در دوران کودکی تجاوز

شده است بعنوان یک برگ برنده در پرونده استفاده میکنند و با این توجیه که او که به " تجاوز عادت کرده است" چرا در مقابل تجاوز مجدد، دست به مقاومت زده است. ضدیت با حقوق انسانی و توهین و بیرحمی در این برخورد چنان عیان است که باید به صورت این جانیان تف کرد. در این برخورد در عین حال عمق پوسیدگی و زن ستیزی و انسان ستیزی این سیستم و این دستگاه سرکوب و خشونت پیش از پیش روشن میشود. نازنین اکنون ۱۹ سال دارد و در زندان اوین است. او که قربانی فقر و شرایط زندگیش است، در عین حال تا کنون از حق خود دفاع کرده و حتی در زندان گهر دشت چندین بار با زندانبانان درگیر شده و در زندان اوین نیز به کار اجباری تن نداده و به خودش بعنوان یک انسان احترام میگذارد.

انترناسیونال: اکنون نازنین یک چهره معروف است، آیا خودش از این وقایع بیرون زندان مطلع است، آیا میداند که میلیونها نفر از او دفاع میکنند؟

مینا احدی: نازنین از این کمپین و فعالیتهای ما مطلع است. او اسم ما را میداند و مطلع است که در دنیای بیرون از چهار دیواری زندان تنگ و وحشتناک، قلبهای زیادی برای آزادی او می تپد. ولی بعید میدانم از ابعاد گسترده این کمپین و همه این وقایع هیجان انگیز که در جریان کمپین نجات نازنین پیش آمد مطلع باشد.

انترناسیونال: کمی در باره این کمپین حرف بزنید. بطور خلاصه تا کنون چه کرده/اید؟

مینا احدی: کمپین نجات نازنین یکی از مهمترین و موفق ترین کمپین ها در جنبش علیه اعدام است. از روزی که مصطفی صابر من و نازنین افشین جم را بهم معرفی کرد،

حدود ۹ ماه میگذرد. در یک گفتگوی تلفنی کوتاه، نازنین به من گفت که دنبال نازنین ۱۸ ساله در ایران است و تا کنون بهر دری زده او را پیدا نکرده است. ما بی خبر از همدیگر برای نجات جان نازنین کمپین راه انداخته بودیم. به نازنین افشین جم قول دادم خانواده نازنین فاتحی را پیدا کرده و به او معرفی کنم. این شروع همکاری و هماهنگی این دو کمپین با هم بود. از این تاریخ به بعد تحت عنوان کمپین نجات جان نازنین ما تقریباً هر روز از ابعاد فعالیت همدیگر مطلع شده و فعالیت گسترده ای را با هم پیش بردیم.

در طول این ۹ ماه کمپی نجات نازنین فاتحی کارهای بزرگی انجام داده است. ما در خیابان حضور داشتیم. میتینگهای متعدد، میزهای اطلاعاتی در سراسر جهان، حضور در جلسات و سخنرانیها و کنفرانسها و مصاحبه ها و مقالات متعدد و همزمان یک طومار اعتراضی که نازنین افشین جم مبتکر آن بود همه و همه ابعاد یک فعالیت گسترده و یک کارزار جهانی بود برای نجات جان این دختر جوان. در عین حال ما در این کمپین یک کار لایستی متمرکز انجام داده ایم. ملاقات با نمایندگان پارلمان کانادا، ملاقات با معاون کوفی عنان در نیویورک، ملاقات با لوبیز آرور مسول شورای حقوق بشر سازمان ملل، ملاقات با نمایندگان پارلمان اروپا و کمیسیونهای حقوق بشر در پارلمانهای اروپایی با هدف اعمال فشار به دولتها و سازمان ملل برای دخالت و فشار گذاشتن آنها به جمهوری اسلامی از جمله این فعالیتهای ما بوده است.

آخرین اقدام چند روز قبل از دادگاه، پخش فیلم مستندی تحت عنوان "دو نازنین" \* بود که توجه های زیادی را به این کمپین جلب کرد. اکنون طومار اعتراضی به مرزسیصد و هشت هزار رسیده

است. اسم نازنین ۱۹ ساله در دنیا مطرح است. مطبوعات و رسانه های مهم بین المللی این موضوع را پوشش داده اند. بهر حال این یک کمپین گسترده و مهم و موثر بین المللی بوده است که جنبش علیه اعدام را یک گام بزرگ به پیش برد.

انترناسیونال: عکس العمل مردم به این واقعه و بویژه دیدن فیلم چگونه است؟ مینا احدی: تا جایی که اخبار به ما میگوید مردم در اقصی نقاط جهان با دیدن فیلم که مستند هم هست کاملاً تحت تاثیر قرار گرفته اند. خیلیها با ما تماس گرفته و اعلام کرده اند که قصد کمک به نجات نازنین دارند. فیلم بسیار موثر بود و یک حرکت به جلو در این کمپین را باعث شد. ما، یعنی نازنین افشین جم و من بعد از پخش فیلم و مصاحبه هایی که با رسانه ها داشتیم، نامه های زیادی دریافت کرده ایم. نامه های پر از محبت و پر از دلگرمی و در عین حال نامه های متعددی که چه کرده ایم و چه باید بکنیم برای ما ارسال شده است.

نوشته اند که در مدرسه ای در آمریکا و یا در سوئیس، عکس نازنین را بزرگ کرده و برای او امضا جمع میکنند. نوشته اند در خیابان محل زندگشان عکس نازنین نصب شده است. از ترکیه جمعی نوشته اند که حاضرند بعد از آزادی نازنین مدتی خرج زندگی او را بدهند تا بتواند درس بخواند. در ایران فیلم مستند دو نازنین وسیعاً پخش شده و مورد توجه قرار گرفته و نامه های زیادی از ایران دریافت کرده ایم که نوشته اند چه کمکی میتوانند بکنند و ...

انترناسیونال: حکومت اسلامی مجبور شد در رابطه با حکم اعدام نازنین عقب نشینی کند. آیا این عقب نشینی مدیون همین جنبش بود؟

مینا احدی: دقیقاً این چنین است. عقب نشینی حکومت اسلامی در این مورد و موارد دیگر، بدلیل وجود یک جنبش عظیم اجتماعی علیه اعدام

است. حکومت اسلامی در مقابل قدرت و گستردگی جهانی کمپین نجات جان نازنین راه فراری ندارد. حکومت اسلامی در مورد حکم اعدام کودکان و نوجوانان زیر فشار زیادی است. نازنین به هنگام دستگیری فقط ۱۷ سال داشت و محکوم به اعدام شده است. این جنایت علیه بشریت است و باید مورد بیشترین اعتراضات قرار بگیرد.

انترناسیونال: اهمیت این عقب نشینی چیست؟

مینا احدی: اهمیت این عقب نشینی دادن اعتماد بنفس بیشتر به مردمی است که در مقابل این حکومت در عرصه های مختلفی مبارزه میکنند. در عین حال پیام این حرکت این بود که انسانیت زنده است و در این مورد نیز بر عقب ماندگی و ارتجاع و اعدام و قصاص پیروز شد. جمهوری اسلامی ایران در مقابل دنیایی که به او اعتراض کردند، پوزه اش به خاک مالیده شد و مردم به عیان دیدند که این حکومت را میتوان عقب راند و طبعاً با گسترش جنبشهای رادیکال و معترض میتوان آن را به زیر کشید. در پایان باید بگویم که نازنین هنوز در زندان است. تصمیم قطعی مبنی بر لغو حکم اعدام و آزادی او هنوز اعلام نشده است. اما صحنه های آخرین دادگاه نازنین عقب نشینی آشکار رژیم را در این پرونده نشان داد. کمپین نجات جان نازنین تا همینجا پیروز شده است. این پیروزی باید رسمی و قطعی شود. نازنین را باید از دهان این گرگهای آدم خوار پس بگیریم. او را باید به آغوش خانواده اش برگردانیم. تا همین حالا پیروزی جبهه انسانیت بر جهل و خرافه و قصاص اسلامی پیروز شده است. این پیروزی را ما با آزادی نازنین از زندان جشن میگیریم. \*

فیلم "دو نازنین" را میتوانید در سایت روزنه ببینید:  
<http://www.rowzane.com>

## رادیو انترناسیونال

۴۹ متر ردیف ۶۲۲۵ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

سایت حزب: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

سایت روزنه: [www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)

نشانی انترناسیونال: [www.anternational.com](http://www.anternational.com)

سایت کانال جدید: [www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)

آدرس تماس با حزب: [markazi@ukonline.co.uk](mailto:markazi@ukonline.co.uk)

تلفن و فاکس برای تماس با حزب:

Tel: 0044-7950 517 465

Fax: 0044-8701 351 338

## دادگاه نازنین در تهران برگزار شد حکومت اسلامی عقب نشست!

قضات دادگاه اعلام کردند که نازنین "قتل عمد" مرتکب نشده و ادعاهای شهود قبلی پرونده غلط است. وکلای پرونده امیدوارند در چند روز آتی حکم اعدام نازنین رسماً ملغی شود.

کمیته بین المللی علیه اعدام لحظاتی پیش خبریایان یافتن دادگاه نهایی رسیدگی به پرونده نازنین فاتحی را دریافت کرد. این دادگاه صبح امروز چهارشنبه

مرتکب نشده است و وکلای پرونده امیدوارند که حکم اعدام رسماً در چند روز آینده لغو شود و نازنین از این کابوس نجات یابد.

کمیته بین المللی علیه اعدام، دادگاه امروز نازنین فاتحی را یک عقب نشینی برای رژیم و یک پیشروی برای همه فعالین نجات نازنین میدانند و به صدها هزار نفری که برای نجات نازنین با امضای قطعنامه و یا به اشکال مختلف

تلاش کرده اند تبریک میگوید. کمیته علیه اعدام تلاش خود را برای تبرئه کامل نازنین و آزادی او ادامه خواهد داد. کمیته علیه اعدام همچنین تلاش برای نجات کبریا و دلارا و دیگر محکومین به اعدام و لغو مجازات اعدام بطور کلی را گسترش خواهد داد.

جزئیات بیشتر مربوط به دادگاه نازنین را در اطلاعیه های بعدی به اطلاع عموم خواهیم رساند.

کمیته بین المللی علیه اعدام

۱۰ ژانویه ۲۰۰۷  
www.adpi.net  
00491775692413

## نه بمب، نه تحریم، نه جنگ،

## نه خفقان و سرکوب!

## گاز، نان، کار، رفاه، آزادی و برابری می خواهیم!

قطع گاز در سرمای شدید ایران گسترده است. خرم آباد، چهار محال، آذربایجان، سمنان، همدان، بیرجند، شهرهای مختلف کردستان، همینطور کارخانجات و کارگاههای متعدد، بیمارستانها، ادارات، مدارس و محلات فقیر نشین در نقاط مختلف ایران با کمبود سوخت و گاز و وسائل گرمائی در زمستان شدید ایران مواجه هستند و سرماخوردگی و بیماریهای عفونی اولین نتایج این وضعیت است.

سرمای شدید صدمات زیادی به سیستم آب و فاضلاب در برخی شهرها زده است. صحبت از قطع برق است. مردم عصبانی اند و اعتراض در جامعه موج میزند. مسئولان رژیم اسلامی مرتباً وعده میدهند اما وضعیت تغییری نکرده و کمبود گاز و قطع برق ممکن است تهران را هم دربرگیرد.

در هفته اخیر مردم در شهرهای کردستان با قطع گاز برای روزهای

متوالی روبرو بودند. روز سیزدهم دیماه تجمع صدها نفره مردم سقز در مقابل فرمانداری بسرعت به تظاهرات هزار نفره و درگیری با نیروهای رژیم اسلامی منجر شد. یورش نیروهای سرکوب به مردم با واکنش محکم معترضین روبرو شد. مردم معترض شیشه های بانکها را خرد کردند، چند ماشین نیروهای سرکوب را مورد تعرض قرار دادند و فرماندار و معاونش را گوشمالی دادند، به ساختمان شورای اسلامی شهر یورش بردند و با اعضای این شورا درگیری شدند. مردم سقز از جانباختن سه کودک و نوجوان بدلیل آتش سوزی که ناشی از کمبود گاز و استفاده از نفت بود، بشدت خشمگین بودند. پاسخ رژیم خانه گردی و دستگیری حلود صدنفر از مردم بود. بنا به اخبار عناصر رژیم اسلامی، در حالیکه مردم با کمبود سوخت در سرمای شدید و زیر بیست درجه مواجه هستند، در مرز عراق

نفت را به قیمت بالا میفروشدند. در اعتراض به این چپاول مزدوران رژیم مردم میوان دست به اعتراض زدند و با نیروهای سرکوبگر درگیر شدند. بیمارستانها و بیماراران، محلات، ادارات و منازل در سرمای شدید با نبود گاز و نفت مواجهند. صفهای طولیل مردم برای تهیه نفت در شهرهای مختلف شروع شده است. مردم ایران کشوری است که روی دریای نفت و گاز خوابیده است. مردم بدرست دولت را مسئول این وضعیت میدانند و خشم و نفرتشان متوجه حکومت است. حکومت باید سرنگون شود. جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری مسبب تمام مشقات گریبانگیر مردم است. این وضعیت را قبول نکنید و متحدانه اعتراض کنید. رژیم اسلامی و نهادهای دولتی را زیر فشار مستمر قرار دهید. برای آزادی دستگیرشدگان دست به اقدام متحد

بزنید. در مقابل مراکز دولتی دست به تجمع بزنید. در محلات متشکل شوید. در محله تان مجمع عمومی تشکیل دهید و در باره قدمهای اعتراض و اقداماتی که باید صورت گیرد تصمیم گیری کنید. نمایندگان را تعیین کنید، مسئله

را به رسانه ها بکشید و حمایت بخشهای مختلف جامعه را از مبارزات خود جلب کنید. جمهوری اسلامی در مقابل اراده متحد شما تنها یک راه دارد؛ عقب نشینی!

حزب کمونیست کارگری، کارگران و مردم را به اعتراض یکپارچه علیه رژیم اسلامی فرامیخواند. حزب رژیم سرکوبگر و ارتجاعی جمهوری اسلامی را که علیه اعتراض برحق مردم تنها باطوم و زندان و شکنجه میشناسد، قویا محکوم میکند. حزب پیشروان کارگری، فعالین سوسیالیست و کمونیست و آزادیخواه را به دخالت فعال برای سازماندهی گسترده اعتراضات مردم در سطوح مختلف و مقابله با رژیم اسلامی فرامیخواند!

سرتکون باد جمهوری اسلامی  
آزادی، برابری، حکومت کارگری  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی  
حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ دیماه ۱۳۸۵ - ۶ ژانویه ۲۰۰۶

## تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

## شماره حساب ها:

### انگلیس:

Account nr. 45477981  
Sort code: 60-24-23  
Account holder: WPI  
Branch: wood green  
Bank: Nat West

### سوئد:

پست جیرو 60-3 639 60  
صاحب حساب IKK

### آلمان:

Dariush safa  
Konto Nr:894922303  
Kredit Institut  
Post bank Hannover  
BLZ:25010030

### کانادا:

TD Canada Trust  
A. Mikanik  
transit#1672  
Institution#504  
Acc#6235975

اگر از ایران ارسال میکنید میتوانید از طریق دوستانتان

در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن

۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

تماس بگیرید تا راه های

دیگر را به شما معرفی کنیم

نقاصاً می کنیم در همه موارد

میزان و مشخصات مبلغ واریز

شده و اسمی که باید اعلام شود

را به ما اطلاع دهید.



## یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری ایران

را بخوانید!

## کمک مالی به حزب

۱۰۰ دلار کانادا

۱۰۰

۴۰۵

کانادا - تورنتو

جمشید هادیان

بابک یزدی

جمع آوری جشن سال نو

## برای نجات دلارا دارابی

دلارا دارابی ۱۷ سال داشت که به اتهام قتل یکی از اقوام خودشان دستگیر شد. او به همراه دوست پسرش، ظاهرا برای سرقت به خانه یکی از افراد فامیل خود رفته و متاسفانه صاحبخانه در جریان مقاومت و دفاع از خود به قتل رسیده است. دلارا میگوید دوستان من گفت تو قتل را به عهده بگیر چون جوان هستی و فامیل مقتول، شامل حکم اعدام نمیشوی. به این ترتیب دلارا قتل را به عهده گرفت که اکنون میگوید او این قتل را انجام نداده است. اما در جریان محاکمه بلافاصله به اعدام محکوم شد. وکیل او و همه دست اندرکاران پرونده و همه کسانی که دلارا را دیده اند، معتقدند که او از نظر جسمی و روحی در شرایطی نبوده که دست به این قتل زده باشد و ما اضافه میکنیم که حتی اگر این قتل توسط دلارا و دوست او انجام گرفته باشد، کسی را نباید به اعدام محکوم کرد و

بویژه اعدام نوجوانان در همه دنیا ممنوع است و حکومت اسلامی نیز نباید جرات کند نوجوانان را بیشمارانه به اعدام محکوم کرده و آنها را به قتل برساند.

برای نجات دلارا کمپینی در جریان است. اخیرا در تهران نمایشگاه نقاشی های دلارا در جریان بود و توجه زیادی را بخود جلب کرد. کمیته علیه اعدام برای نجات دلارا دارابی کمپینی اعلام کرده و اقدامات متعددی انجام داده است. اما بزودی رئیس یک فعالیتی گسترده و جهانی برای آزادی دلارا را اعلام میکنیم و اینجا با چاپ ادعانامه تکان دهنده و دردناک پدر دلارا همگان را به کمک فرامیخوانیم.

مینا احدی

هماهنگی کننده کمیته بین المللی علیه اعدام

۱۱ ژانویه ۲۰۰۷

www.adpi.net

00491775692413

### از صفحه ۳ به استقبال یک ۸ مارس سرخ...

جنسی و به نابرابری زن و مرد تن نخواهیم داد و خواهان لغو تمامی قوانین ضد زن در جامعه شویم. در قطعنامه هایمان اعلام کنیم که رژیم آپارتاید جنسی از تمامی مراجع بین المللی اخراج گردد و صدای اعتراضمان را به گوش کل جهان برسانیم.

بکوشیم بیانیه ها و قطعنامه های اعتراضی مان را در اجتماعاتی که در روز هشت مارس بر پا میشود بخوانیم و صدای اعتراض کل جامعه باشیم. اعلام کنیم که هشت مارس باید بعنوان یک روز تعطیل رسمی در جامعه به رسمیت شناخته شود و در قطعنامه هایمان بر تعطیلی این روز و گرامیداشت هر ساله آن تاکید کنیم. به استقبال ۸ مارس با شکوه، به عنوان یک روز آزادیخواهی و برابری طلبی برویم. \*

### از صفحه ۴ حجاب، آپارتاید...

۸ مارس امسال در ایران نه تنها باید یک ۸ مارس بدون حجاب و ضد حجاب باشد که باید یک ۸

۸ مارس امسال در ایران نه تنها باید یک ۸ مارس بدون حجاب و ضد حجاب باشد که باید یک ۸

## ادعای نامه تکان دهنده پدر دلارا دارابی

دختر من دلارا دارابی متهم به قتلی ناکرده است. او گناه کس دیگری را به دلیل قلب مهریانش به عهده گرفته و به نوعی خود را آلوده این پرونده کرده است. دفاع من از او نه دلیل اینکه او فرزند من است، دفاع من از او دفاع از حقیقت و دفاع از عدالتی است که در اینجا وجود ندارد. من خواهان اجرای عدالت هستم و دلاری من دو سال است که اسیر کسانی است که هیچ بویی از انسانیت و عدالت نبرده اند.

من این رفتار با دختر دلبندم را محکوم میکنم. از هر کس که میخواهد بیاید و این پرونده و نحوه رفتار اینها با دخترم را بررسی کند، دعوت میکنم بیاید. اصلا حقوق بشر اسلامی بیاید تحقیق کند، از فلسطین و یا لبنان و یا از هر جایی که اینها قبول دارند هیئت بیاید و ببیند با بچه ۱۷ ساله من چه کرده اند. هر روز یک بلا سرش می آورند، سه سال است که در زندان است و اکنون ۲۰ ساله است. او در زندگیش تا ۱۷ سالگی هیچ چیز ندیده جز ناز و نعمت، هیچ چیز را نمی شناسد، جز دفتر و قلم و کتاب و موزیک و نقاشی.

من سه سال پیش، وقتی از ماجرا مطلع شدم، خودم دخترم را تحویل دادگاه و تحویل قانون دادم. قانون و قوه قضاییه ای که اکنون با تمام وجود لمس میکنم که در آن هیچ عدالتی نیست.

امروز بچه من نه فقط بدلیل محکومیت به اعدام جانم در خطر

است، بلکه بدلیل رفتاری که در زندان شماره ۲ نسوان رشت با او میکنند، نیز جانم در خطر است. بچه من حق دارد که شکنجه نشود، حق دارد که در زندان از استانداردهای رفاهی و غذایی خوبی برخوردار باشد. اما در اینجا از این امکانات اولیه خبری نیست. غذای کافی به او نمیدهند. خرج این بچه را ما میدهیم. اما اجازه نداریم ملاقاتش کنیم. همین امروز که با شما حرف میزنم، من و مادرش و خواهرانش به دیدن او رفته ایم، ولی باز به بهانه ای اجازه دیدن او را نداشتیم.

من میگویم فرزند دلبندم مرا در یک قفس آهنین بگذارید و کلیدش هم دست خودتان باشد، فقط اجازه دهید که روحش تا این حد آزار نبیند. اجازه دهید که خود ما از او مراقبت کنیم. اجازه دهید که به او دفتر و قلم و کتاب و کاغذ بدهیم و اجازه دهید که او مشغول نقاشی کردن باشد. او تنها کتاب و دفتر و مداد و وسایل نقاشی را می شناسد. من در انقلاب شرکت کردم، ما انقلاب کردیم تا عدالت اجرا شود. ولی در این مملکتی که من در آن نفس میکشم، بویی از عدالت نشنیده اند و من عدالتی را تجربه نکرده ام.

من از انسانهای بشردوست، از وجدانهای آگاه میخواهم که کمک کنند دلارا آزاد شود. دلارا فقط یک نمونه است. هزاران مثل دلارادر زندانها هستند. دختر من در زندان هم جانم در

خطر است. بارها و بارها نامه نوشتم و خواهان بهبود شرایط و استانداردهای زندان شدم، جواب سریالا گرفتم و یا به من هم توهین کردند. من خواهان انتقال دخترم به یک زندان دیگر هستم. به این خواست کوچک هم وقتی نمی نهند. دلارا میگوید در این زندان راه رفتن من، خوراک خوردن من، نقاشی کردن و حرف زدن و خوابیدن من با توهین و عکس العمل زشت روبرو میشود. در اینجا برای ۲۰۰ نفر یک توالت داریم و اعتراض به این وضع با مجازات روبرو میشود. آیا این وضع برای یک جوان ۲۰ ساله قابل تحمل است؟

ما الان اجازه نداریم یک وعده غذای خوب به دخترم برسانیم و آخرین ملاقاتی که ما با دلارا داشتیم او از بوسیدن مادرش امتناع کرد و میگفت، اینجا پر از میکرب است. نمیخواهم بیماریهای احتمالی را که گرفته ام به شما منتقل کنم.

با دیدن این اوضاع و با شنیدن اخبار رفتار غیر انسانی با دخترم، شبها خواب ندارم. من پدر دلارا دارابی سه سال است که زندگیم پر باد رفته است. کار و کاسبی را ول کرده ام و افتاده ام دنبال این پرونده. برای اجرای حق و عدالت و در دفاع از انسانیت. من در این کارها از وجدان دفاع میکنم و از حق و عدالت. به من و به ما کمک کنید تا عدالت را اجرا کنیم. در اینجا بویی از عدالت و انسانیت نیست. \*

## تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12  
Frequency: 11494  
Symbol Rate: 17469  
FEC: 3/4  
Vertical

Tel: 0046-739318404  
Fax: 0046-8 6489716  
markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

## به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

سوسیالیستی کرد. باید این واقعیت را بشارت داد که تنها راه رهایی و خلاصی زنان از انواع ستمها و بهره کشی و تبعیض و نابرابری جنسی سوسیالیسم است. \*